بایسته‌های وزارت علوم و دانشگاه‌ها در دولت جدید

همزمان با آغاز گمانه‌هـــا درخصوص معرفی و پیشـــنهاد وزرای دولت چهاردهم و نزدیک شدن به تغییرات اساســـی در مدیریت اجرائی کشور، لزوم بررسی مشکلات و خلأهای مهم گذشته و پیش‌روی وزارت علوم، تحقیقات و فنـــاوری؛ در این گزارش قصد داریم به مهم‌ترین چالش‌هـــا و ضرورت‌های آتی این حـــوزه می‌پردازیم که انتظار می‌رود دولت منتخب با در نظـــر گرفتن مواردی که آورده خواهد شـــد بتواند عملکرد مطلوبی را در این عرصه خطیر به اجرا در آورد.

افزایش چشمگیر رشد علمی کشور که از بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی آغاز شده بود، از دستاوردهای انکارناپذیر دولت‌های پیشـــین به‌شمار می‌آید، استقلال دانشگاه‌ها که در برخی از دولت‌های گذشـــته به یک اصل تبدیل شـــده بـــود بحث‌های مختلفی پیرامون خود مطرح کرده اســـت. در دولت‌های نهم و دهم، تمرکزگرایی در تمام زمینه‌ها در دســـتور وزارتخانه‌ای قرار داشت که اغلب افراد مؤثر آن یا نخبه بودند یا قرار بود در آینده نخبه شوند!

جذب متمرکز اعضای هیئت علمی، غیرانتخابی‌کردن (انتصابی‌کـــردن) تمام مســـئولیت‌ها در دانشـــگاه و حتی متمرکزکردن آزمونی ماننـــد آزمون دوره دکترا از کارهای غیرقابل‌دفاع دولت نهم و دهم بوده است. استدلال کسانی که به گسترش این «تمرکز» باور داشتند، آن بود که دادن اختیار به دانشگاه‌ها موجب رفتار سلیقه‌ای می‌شود.

وجود رفتارهای بعضا سلیقه‌ای قابل‌انکار نیست، اما وزارتخانـــه‌ای که نتواند به اعضـــای هیئت علمی خود (که ســـرمایه‌های بزرگ علمی کشور هستند)، اعتماد کند؛ در پیشـــبرد اهداف عالی نظام در زمینه‌هـــای علمی چندان موفق نخواهد بود. در دولت یازدهم بخشـــی از اختیارات به دانشگاه‌ها بازگشـــت، اما همچنان ضروری است، با اعتماد به بدنه دانشـــگاه‌ها، استقلال آنان بیش از پیش فراهم آید. توجه داشـــته باشیم تنها با دادن اختیار لازم به دانشگاه‌ها، امکان پاسخ‌گویی آنان در زمینه‌های مختلف فراهم می‌شود.

ضروری اســـت دولت چهاردهم با ادامه سیاست عدم گســـترش کمّی مراکز آموزش عالـــی (که از دولت یازدهم شروع شده است)، شرایطی را فراهم آورد تا کیفیت آموزش عالی به‌طور محسوسی از کمیت آن فاصله بگیرد. گسترش بی‌رویه آمـــوزش عالی به بهانه‌های مختلف در گذشـــته، ضربـــات جبران‌ناپذیری به مجموعه آموزش عالی کشـــور وارد کرده است.

رعایت این اصـــل، به‌ویژه در حوزه تحصیلات تکمیلی آشکارتر است. افزایش شمار دانشجویان تحصیلات تکمیلی، افزایش دانشـــگاه‌های پذیرنده ایـــن دوره‌ها و انجام آزمون نیمه‌متمرکز برای انتخاب دانشـــجویان دوره دکترا، کاهش کیفیت دوره‌های تحصیلات تکمیلی را در پی داشته است. راه‌اندازی دوره‌های تحصیلات تکمیلی مســـتلزم شـــرایط بســـیاری از جمله وجود استادان باتجربه و داشتن امکانات پژوهشی مناسب است. به نظر می‌رسد تعدد مراکز آموزش عالی در کشـــور و روآوردن بســـیاری از آنان به راه‌اندازی دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکترا، ضربه مهلکی به مجموعه علمی کشور وارد کرده است.

نبود دانشـــجوی کافی برای ادامـــه فعالیت‌های برخی از مراکز آمـــوزش عالی، چالش جدی فراروی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال‌های آینده خواهد بود. شایسته اســـت با در نظرگرفتن همه جوانب، تصمیم سازنده‌ای در این مورد گرفته شود.

افزایش سهم بودجه پژوهشی کشور از تولید ناخالص داخلی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تعیین‌کننده ارتقای کیفی آموزش عالی اســـت. در بیشـــتر کشورهای پیشرفته و صاحب فناوری، این سهم ۳ درصد یا بیشتر است. این عدد در کشورمان برای اولین‌بار در سال گذشته به یک درصد رسیده است که از بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه بالاتر است. برای رسیدن به اهداف بالادستی از جمله داشتن اقتصادی درون‌زا، افزایش سهم بودجه پژوهشی کشور به ۲ تا ۳ درصد تولید ناخالص داخلی اجتناب‌ناپذیر است.

اعضـــای هیئت علمی و به‌ویژه اســـتادان جوان، موتور محرکه دانشگاه‌ها در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی هستند. با تمرکز بر مسائل رفاهی این گروه می‌توان به رشد روزافزون و پایدار علمی کشور امید داشت. تسهیل روندهای استخدامی اســـتادان جوان و توجه به رفـــاه این گروه از اعضای هیئت علمی، موجب رفع دغدغه‌های مختلف آنان شده و در نتیجه دانشگاه‌ها با دراختیارداشتن نیروهایی باانگیزه، فرهیخته و جوان در مسیر رشد و توسعه کشور قرار خواهند گرفت. با افزایـــش امکانات رفاهی بـــرای اعضای هیئت علمی و رفع دغدغه‌های معیشـــتی آنان، بسیاری از مشکلات موجود در حوزه‌های آموزشی و پژوهشی قابل‌اجتناب است.

افزایـــش توجه به شـــرکت‌های دانش‌بنیان از ســـوی پارک‌هـــای علم و فنـــاوری، باید ادامه یابـــد. ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در قالب این‌گونه شـــرکت‌ها شکوفا می‌شـــود. در کنار توسعه تعداد شرکت‌های تأسیس‌شـــده، حمایت همه‌جانبه از تولیدات شرکت‌های موجود از سوی مسئولان امر (که اغلب در خارج از وزارت علوم هستند)، ضرورت دارد.

روند «بین‌المللی‌شدن» برخی دانشگاه‌های درجه‌اول کشور باید به‌سرعت ادامه یابد. ارتباط پایدار با مراکز آموزش عالی خارج از کشور، تبادل استاد و دانشجو و تبادل فناوری، تأثیر انکارناپذیری در افزایش بالندگی مراکز آموزش عالی کشور خواهد داشت.

به‌علاوه با پذیرش دانشـــجو از کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای همســـایه، درآمد قابل‌توجهی به منظور افزایش و گسترش زیرساخت‌های آموزشـــی و پژوهشی کشور به دست خواهد آمد.

برای رســـیدن به مطالبات بالا، ضروری است انتخاب وزیـــری از دل وزارت علوم، تحقیقـــات و فناوری که مورد حمایت و اعتماد اکثریت دانشگاهیان باشد، در دستور کار رئیس‌جمهور محتـــرم دولت چهاردهم قرار گیرد. به‌علاوه، با برطرفشـــدن دغدغه‌های اشاره شـــده، خروج نخبگان دانشگاهی از کشور به حداقل می‌رسد.

چرا تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری از وظایف رهبری است؟

دیدگاه اساتید

حضـــرت امام رحمه‌الله در پاســـخ به علت تنفیذ حکم ریاســـت جمهوری توســـط ولی فقیـــه می‌فرمایند: چون مشروعیت آن باید با نصب فقیه ولی امر باشد، اینجانب رأی ملت شریف را تنفیذ و ایشان را به سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب نمودم.

برای توضیح عبارت فوق باید به نکات ذیل توجه کرد:

بشـــر در طول تاریخ چـــه از روی اضطرار و چه از باب ضرورت عقلی و چه از باب میل و طبع فطری خود به زندگی اجتماعی، عموماً زندگی جمعی را بر زندگی فردی ترجیح داده است. در زندگی اجتماعی تعارضات و اختلافات مردم یک امر طبیعی است. برای رفع این تعارضات و استقرار نظم و امنیت مطلوب در زندگی اجتماعی و ممانعت از هرج و مرج، هر جامعه‌ای نیازمند یک نهادی است که قانون‌گذاری نموده و ایـــن قانون را در جامعه اجرا نماید و با متخلفین از قانون و اخلال‌کنندگان در نظم عمومی جامعه برخورد کند. این نهاد همان حکومت اســـت. بنابراین هـــر جامعه‌ای ضرورتاً نیازمند حکومت است.

حکومت برای عملی‌کردن قوانین نیازمند الزام و اجبار است. به همین جهت هم امروزه در همه جای دنیا ابزارهای الزام‌آور مثل ســـازوکارهای اداری، جریمه، زندان و... برای اجرای قانون و برخورد با متخلفین وجود دارد. اســـتفاده از ابزارهای الزام‌آور نیازمند اختیار حکومت در تصرف در جان و مال مردم اســـت. وقتی فـــردی با اختیار خود مالیاتش را نپرداخت و دولت اختیار داشـــت که در این صورت اموال او را مسدود یا از آن برداشت کند، این فرد مجبور به پرداخت مالیات خواهد شـــد. بنابراین دولت نیازمند اختیار و اجازه تصرف در مال مردم اســـت. همچنین اعمال مجازات‌هایی مثـــل زندان یا برخی قوانین جزایی نیازمند اجازه دولت در تصرف در جان مردم است. در همه حکومت‌های دنیا، همه عقلای عالم به طورکلی وجود چنین اختیاری برای دولت را پذیرفته‌اند و حکومت‌ها در چارچوب قانون چنین تصرفاتی را دارنـــد. به‌رغم بدیهی بودن اصل حق تصرف حکومت در جان و مال مردم، اندیشمندان و نظام‌های مختلف سیاسی و حقوقی دنیا در این نکته اختلاف دارند که چه کســـی و بر اســـاس چه ضوابطی و تا چه حدی شایسته برخورداری از این‌گونه اختیارات اســـت؟ به تعبیر دیگر چه کسی حق چنیـــن تصرفاتی را در چه چارچوبـــی دارد؟ این بحث در حقیقت سخن از حق حاکمیت حاکم است که همان بحث مشروعیت حاکم و حکومت است. دیدگاه‌های مختلفی درباره معیار مشـــروعیت و این که چه کسی حق چنین تصرفاتی

را دارد، مطرح شـــده است. ما در این جا باید ببینیم از نگاه اسلامی و شیعی معیار مشروعیت حکومت چیست؟

از نگاه اسلامی انسان‌ها در حالت عادی برتری بر یکدیگر ندارند و هیچ‌کدام حق تصرف در جان و مال دیگری را ندارند. تنها کســـی که چنین اختیاری دارد، خداوند متعال است؛ چون خالق، مالک، ولی‌نعمت و عالم به مصالح انسان است. در رســـاله‌های ولایت فقیه این مطلب به عنوان یک اصل پذیرفته شـــده تحت عنوان «اصل عدم ولایت» اشاره شده است. ولایت در نگاه اسلامی در عرصه سیاسی ـ اجتماعی به معنای همین حق تصرف است. بنابراین بعد از خداوند تنها کسی حق چنین تصرفاتی را دارد که اجازه تصرف از طرف خداوند داشته باشد. بر اساس آیات مختلف قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام این ولایت از طرف خداوند به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و سپس به ائمه دوازده‌گانه علیهم‌السلام و در زمان عدم دسترسی به آنها، به فقها داده شده است. بر همین اساس بسیاری از فقهای بزرگ مثل مرحوم ملااحمد نراقی، مرحوم صاحب جواهر، امام خمینی رحمه‌الله معتقد بودند که ولایت فقیه همان ولایت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله است و در عرصه حکومت و زمامداری همه اختیارات معصومین علیهم‌السلام را فقیه هم داراست.

با توجه به آنچه گذشـــت، معیار مشـــروعیت در نظام اســـلامی، مشروعیت الهی است و حکومت مشروع الهی در اسلام، حکومت معصوم و در زمان غیبت، حکومت فقیه است. در مقابل حکومت مشروع حکومت‌های نامشروع یا غاصب وجود دارد که در قرآن و روایات از حکومت نامشروع تعبیر به حکومت طاغوت شده است و از تبعیت از حکومت طاغوت نهی شده است: يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهِ بر اساس نظریه ولایت فقیه، ولی فقیه به عنوان حاکم مشـــروع اسلامی برای اداره امور عمومی جامعه حق تصرف در جان و مال مردم را در چارچوب ضوابط شـــرعی و آن‌گونه که خداوند تعیین کرده دارد و حکومت غیرفقیه، حکومت طاغوت است که از تبعیت از آن نهی شده است.

در نظام جمهوری اسلامی که بر اساس قانون اساسی، حاکمیت و ولایت با فقیه است، حق تصرفات حکومتی با فقیه است. اما با توجه به تنوع و گستردگی امور عمومی جامعه، حاکم اسلامی به تنهائی نمی‌تواند همه امور حکومت را خود به ســـامان برساند، لذا نیازمند افراد و نهادهایی است که به عنوان کمک‌کار ایشان امور کشور را اداره نمایند. چنان‌که در زمان حکومت معصومین علیهم‌السلام نیز افرادی از طرف آنها به عنوان والی یک منطقه یا قاضی و یا سفیر و... انتخاب می‌شـــدند و با اجازه معصوم علیه‌السلام اداره برخی از امور عمومی مســـلمین را برعهده می‌گرفتند. امروزه نیز همانند گذشته بلکه به دلیل پیچیدگی‌ها و گستردگی‌های بیشتر حکومت‌های امروزی، حاکم جامعه اسلامی یعنی ولی فقیه نیازمند افراد یا نهادهایی است که او را در امر حکومت یاری نمایند. بر همین اســـاس در قانون اساسی اداره امور جامعه زیر نظر ولی فقیه در قالب نهادهای مختلف تقســـیم شده است که سه نهاد کلان آن سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه هستند. رئیس جمهور به عنوان مسئول امور اجرائی کشور و بالاترین مقام رسمی حکومتی بعد از ولی فقیه برای اجرای بسیاری از قوانین و مقررات و اداره امور کشور نیازمند همان حق تصرف در جان و مال مردم اســـت که همه حکومت‌ها نیازمند آن هستند. اما همان‌طور که گفتیم بر اساس آیات و روایـــات این حق تصرف فقط در اختیار معصوم و پس از آن در اختیار فقیه است و او یا باید خودش این تصرفات را انجام دهد و یا می‌تواند به شـــخصی به عنوان نماینده خود این اجازه تصرف را بدهد. لذا دلیل اصلی تنفیذ حکم ریاست جمهوری توسط رهبری اعطای اجازه برای تصرفات مذکور و یا همان حق تصرف به رئیس‌جمهور اســـت که به خودی خود حق تصرف ندارد. چنان‌که در امور قضائی هم ولی فقیه اداره امور حقوقی جامعه را به رئیس قوه قضائیه می‌سپارد. همچنین ولی فقیه با تعیین فقهای شورای نگهبان این اختیار را به آنان داده که بر قانون‌گذاری مجلس از لحاظ شـــرعی نظارت داشـــته باشند و بدون تأیید شورای نگهبان هیچ‌گاه مصوبات مجلس رسمیت قانونی پیدا نخواهد کرد. بنابراین تنفیذ ریاست جمهوری توسط ولی فقیه در حقیقت اعطای مشروعیت برای حاکمیت رئیس‌جمهور بر امور اجرائی کشور اســـت که این مشروعیت بر اساس ادله قرآنی و روایی برای فقیه است. بر همین اساس حضرت امام رحمه‌الله در حکم تنفیذ ریاست جمهوری با اشـــاره به انتخاب ایشان توسط مردم می‌نویسند:

چون مشـــروعیت آن باید با نصب فقیه ولی امر باشد، اینجانب رأی ملت شریف را تنفیذ و ایشان را به سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب نمودم.

همچنین با تنفیذ فقیه، حاکمیت رئیس‌جمهوری که فقیه نیست، دیگر مصداق حاکمیت طاغوت نیست. بر همین اســـاس هم حضرت امام می‌فرمایند: اگر نصب فقیه نباشد، طاغوت اســـت. این نکته قابل ذکر اســـت که در بحث قوه قضائیه و شـــورای نگهبان، رهبری، رئیس قوه قضائیه و نیز فقهای شورای نگهبان را نصب می‌کند، اما در موضوع ریاست جمهوری، مردم انتخاب می‌کنند و ولی فقیه این انتخاب را تنفیذ می‌کند. چه فرقی بین نصب و تنفیذ وجود دارد؟ به نظر می‌رسد چه نصب و چه تنفیذ هردو اعطای مشروعیت و اجازه تصرف است اما این که در ریاست جمهوری بعد از انتخاب مردم این اجازه صورت می‌گیرد، به دلیل این است که در نظام اسلامی مقبولیت مردمی یکی از شرایط اصلی تحقق حکومت است و این مقبولیت مردمی باید در انتخاب حاکمان و تصمیم‌گیری‌های حکومتی نمود داشته باشد و در قانون اساسی انتخابات ریاست‌جمهوری به عنوان بهترین فرصت برای تجلی مقبولیت مردمی یا مردم‌سالاری در نظام مردم‌سالار دینی پیش‌بینی شده است. لذا در موضوع ریاست جمهوری بر خلاف دو مورد دیگر به جای نصب مستقیم از طرف رهبری، از تنفیذ منتخب مردم استفاده شده است، در عین حال هر دو جهت اعطای مشروعیت است.

دکتر مهدی ابوطالبی
پژوهشگر حوزه اندیشه سیاسی

افزایش مقالات علمی به بهانه اُفت کیفیت!

تعـــداد مقـــالات ایران در ۲۰ ســـال گذشـــته افزایش چشمگیری داشته است؛ اما در مقابل کیفیت مقالات با اُفت مواجه شـــده است. بررســـی آمارها نشان می‌دهد آیین‌نامه ارتقای استادان سبب کاهش کیفیت اسناد علمی شده است.

افزایش تعداد مقالات علمی به ارتقای رتبه علمی کشور در جهان منجر می‌شود؛ اما وقتی این افزایش با کاهش کیفیت مقالات همراه شود، تاثیری در توسعه کشور نخواهد داشت.

بررسی داده‌های منتشر شـــده در پایگاه‌های استنادی معتبر نشـــانگر تأثیر بسزای تصویب آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی در سال ۱۳۸۰ در کنار گفتمان جنبش نرم‌افزاری مقام معظم رهبری در دهه ۸۰ در جهش انتشارات علمی کشور اســـت. براساس اطلاعات درگاه سایمگو اسناد علمی منتشر شده «نمایه شده در پایگاه اسنادی Scopus» توســـط ایران از ۴ هزار و ۵۵۸ مقاله و ســـند علمی در سال ۱۳۷۵ به ۷۸ هزار و ۱۸۴ مقاله در سال ۱۴۰۰ رسیده است. این اطلاعات نشانگر شتاب بالای تولید اسناد علمی کشور در مقایسه با سایر کشورهای جهان است.

به طوری که ایران از جایگاه ۵۴ در سال ۱۳۷۵ به جایگاه ۱۵ در ســـال ۱۴۰۰ و همتراز با کشورهایی مانند سوئیس و هلند رسیده است. البته نکته قابل توجه در مورد ایران این اســـت که رشد علمی حاصل شـــده در این سال‌ها نتیجه و همتراز رشد اقتصادی و جمعیتی کشور نیست، در حالی که در اغلب کشورها تولید اسناد علمی با جمعیت پژوهشگران و ســـرانه تولید ناخالص ملی، همبســـتگی معناداری دارد. این در حالی است که با وجود کمتر بودن تولید ناخالص ملی «برابری قدرت خرید» ایران نســـبت به برخی از کشورهای منطقه مانند ترکیه و مصر، اما براساس تولیدات علمی ایران در ســـال ۹۹ به ترتیب ۲۵ درصد و ۱۳۰ درصد بیشـــتر از ترکیه و مصر اســـت. علاوه بـــر این، تولیدات علمی ایران به میزان تولیدات کشـــور هلند و ۲۴ درصد بیشتر از سوئیس است که هر دوی این کشورها جزو کشورهای توسعه‌یافته از نظر اقتصادی قلمداد می‌شوند. از این رو می‌توان گفت؛ رشد علمی کشـــور در ۲۵ سال اخیر بیشتر از نرخ رشد اقتصادی کشور بوده و دارای جهش چشمگیری است.

اگرچه رتبه بالای تولید علم کشور مایه شگفتی در سطح جهانی بوده و نشان از ظرفیت بالای پژوهشگران کشور دارد؛ اما بررسی شاخص‌هایی نظیر خود استنادی و متوسط سرانه مقالات منتشر شده در مقایسه با کشورهای منطقه، حاکی از کاهش سطح کیفی مقالات کشور است.

در ادامه این گزارش به بررســـی کیفیت مقالات منتشر شـــده توسط پژوهشگران کشـــور از نظر شاخص‌های خود استنادی و نرخ متوسط استنادات می‌پردازیم.

یکی از شـــاخص‌های ارزیابی سطح کیفی پژوهش‌های صورت گرفته توســـط کشـــورهای مختلف، بررسی نرخ خود اســـتنادی مقالات منتشـــر شده توسط آنهاســـت. نرخ خود استنادی نشان‌دهنده تعداد استنادات یک پژوهشگر به مقالات پیشـــین خود است. هرچند که خوداستنادی می‌تواند بیانگر جهت‌دار و مرتبط بودن پژوهش‌های یک پژوهشـــگر باشـــد؛ اما افزایـــش بیش از اندازه آن نشـــانگر افت کیفیت مقالات منتشرشده توسط نویسنده و عدم اقبال سایر پژوهشگران است.

پژوهشگران کشور نزدیک به ۲۴۰ هزار بار به مقالاتی که خودشان در سال ۹۶ منتشر کرده‌اند، ارجاع داده‌اند. با توجه به تعداد مقالات ایرانی منتشر شده در این سال که نزدیک به ۶۰ هزار ســـند علمی است، به طور متوسط هر نویسنده ایرانی ۴ بار به مقالات نوشته شده خود در سال ۹۶ استناد کرده است. از طرفی مقایسه این رقم با نرخ سرانه استنادات مقالات ایرانی در ســـال ۹۶ که نزدیک به ۱۴.۵ ارجاع است، حاکی از آن اســـت که به طور متوسط ۳۰ درصد استنادات به مقاله‌های منتشـــر شده توسط پژوهشگران ایرانی توسط خودشان صورت می‌گیرد.

این موضوع زمانی جالب توجه می‌شود که وضعیت ایران با کشورهای مشابه از نظر انتشار مقالات علمی مانند ترکیه

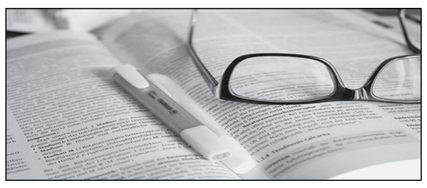

مقایسه شود. شکافی ۲.۵ برابری در نرخ خود استنادی‌های مقالات منتشـــر شده ایران و ترکیه در سال‌های اخیر شکل گرفته است. این در حالی است که بین سال‌های ۸۹ تا ۹۵ این دو کشـــور از نظر تعداد مقالات وضعیت تقریبا مشابهی داشـــتند؛ اما در پنج سال گذشـــته با افزایش تعداد مقالات منتشر شده ایرانی فاصله ۱.۵ برابری در تعداد مقالات منتشر شـــده دو کشور به وجود آمده است. به عبارت دیگر، گرچه کشـــور از نظر کمّیت مقالات منتشـــر شده توانسته است با اختلاف ۲۰ هزار مقاله در ســـال، ترکیه را پشت سر بگذارد؛ اما این امر به بهای افت کیفیت اســـناد علمی ایرانی از نظر شاخص خوداستنادی تمام شده است.

یکی دیگر از شاخص‌های بررسی کیفی تولید علم کشور، ســـرانه ارجاع تجمعی مقالات است. شـــاخص سرانه ارجاع تجمعی نشـــان‌دهنده مجموع میزان ارجاعات «استنادات» صورت پذیرفته به مقالات منتشر شده از سال ۱۳۷۵ است.

انتخاب سیاست ارتقای علمی مبتنی بر تولید مقاله هر چند که منجر به جهش تولید علم کشور شده است، اما به همـــان میزان منجر به کاهش کیفیت اســـناد علمی تولید شده است. اساتید و کارشناسان همواره خطر کاهش کیفیت مقالات را به عنوان یکی از عوارض انتخاب سیاست ارتقای مقاله‌محور هشدار داده‌اند. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز برای پیشـــگیری از این موضـــوع با درجه‌بندی مقالات براســـاس اعتبار مجلاتی که آنها را منتشر می‌کنند، سعی در ارتقای کیفیت مقالات داشـــته است، بر اساس نمودار؛ به‌رغم این نوع درجه‌بندی‌ها کیفیت مقالات منتشـــر شده ایرانی در مجلات بین‌المللی به طور متوسط با افت کیفیت روبه‌رو بوده است.

به نقل از ایسکانیوز؛ به عنوان نمونه، در سال ۱۳۷۹ «سال تصویب آیین‌نامه ارتقا» ســـرانه ارجاع تجمعی مقالات ایران بیشتر از کشورهای پاکستان، مصر و ترکیه و عربستان بوده، اما کشور در سال ۱۳۹۷ از نظر شاخص ارجاعات تجمعی از تمامی کشورهای ذکر شده منطقه عقب مانده است.

چالشی به نام «رتبه‌بندی دانشگاه‌ها»

نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که رتبه‌بندی‌های دانشگاهی نباید در ارزیابی پژوهشی یا هدایت ابتکارات سیاستی مورد استفاده قرار گیرند. البته کارشناسان معتقدند فاصله گرفتن از رتبه‌بندی‌ها چالش‌برانگیز خواهد بود. چرا که مستلزم تغییر فرهنگی است.

اخیرا تحقیقی از ســـوی کوچتکوف دانشیار دانشگاه RUDN روسیه انجام شده است. در این تحقیق روسیه به صورت هدفمند به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است. چرا که رتبه‌بندی دانشگاه‌ها نقشی کلیدی در اجرای پروژه‌های صنعتی دارند.

در این مطالعه رتبه‌بندی‌های جهانی مانند کیو اس (QS)، تایمز (Times Higher Education)، لایدن، ARWU و U-Multirank مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

این مطالعه نشـــان می‌دهد که اغلب مقالات دانشـــگاهی در مورد رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و اســـتفاده از آن‌ها در ارزیابی پژوهشی انتقادی هستند. این انتقادات شامل خطاهای فنی در روش‌شناسی، عدم شفافیت، تکرارپذیری رتبه‌بندی، پوشش ناقص شاخص‌های عملکرد دانشگاه، تغییر جهت به سوی پژوهش، تعصبات سرزمینی، زبانی و جغرافیایی، خطرات از دست دادن هویت ملی و سازمانی آموزش عالی و تضاد منافع است.

برای مثال در این مطالعه آماده است که نتایج رتبه‌بندی‌ها دارای سوگیری هستند. چرا که بررسی‌ها نشان می‌دهد جداول لیگ توسط سازمان‌های سودجو جمع‌آوری می‌شوند که با فروش داده و خدمات به دانشگاه‌ها درآمدزایی می‌کنند. برای مثال تجزیه و تحلیل موقعیت رتبه‌بندی ۲۸ دانشگاه روسی در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که رتبه این دانشگاه‌ها به صورت غیرعادی افزایش یافته، در حالی که تغییری در ویژگی‌های دانشگاه‌ها در آمار ملی رخ نداده است. در این پژوهش ذکر شده است که انصراف از رتبه‌بندی‌ها برای دانشگاه‌ها به آسانی امکان‌پذیر نیســـت. چرا که رتبه‌بندی‌ها به عنوان شاخصی برای شهرت درنظرگرفته می‌شوند. به همین دلیل، امتناع یک دانشگاه از حضور در رتبه‌بندی، شهرت آن دانشگاه را به خطر می‌اندازد. البته خروج برخی کالج‌های معتبر آمریکایی از رتبه‌بندی‌ها تلنگری برای بهبود روش‌شناسی رتبه‌بندی‌ها بود. کارشناسان معتقدند که رد رتبه‌بندی فراتر از جنبه‌های حقوقی یا سیاسی بوده و تغییری فرهنگی است. تغییر فرهنگی به دگرگونی و تکامل باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم و اعمال در یک جامعه یا یک گروه خاص در طول زمان برمی‌گردد. بر اساس این ارزیابی، کوچتکوف استدلال می‌کند که فرآیند رد رتبه‌بندی باید «تکاملی باشد، نه انقلابی».

نویســـنده در این گزارش خواستار اقدام جمعی در همه سطوح شد. وی در پایان گزارش خود درخواســـت‌هایی از دانشگاهیان مطرح کرده اســـت که در ادامه می‌آید؛ توقف ارزیابی دانشگاهیان بر اساس شاخص‌های رتبه‌بندی، عدم استفاده از سطوح رتبه‌بندی در گزارش‌های تحلیلی برای تصمیم‌گیری و توقف پرداخت پول برای خدمات مشاوره به سازمان‌های متولی رتبه‌بندی. دانشگاهیان باید توجه کنند که هر دانشگاهی یک ماموریت منحصر به فرد دارد و تنها انجام این ماموریت واقعا مهم است. به همین دلیل، ارزیابی دانشگاه‌ها بر اساس شاخص‌های رتبه‌بندی نادرست است. همچنین باید بر کمک‌های واقعی یک دانشگاه (علمی، آموزشی و اجتماعی) تمرکز کرد.

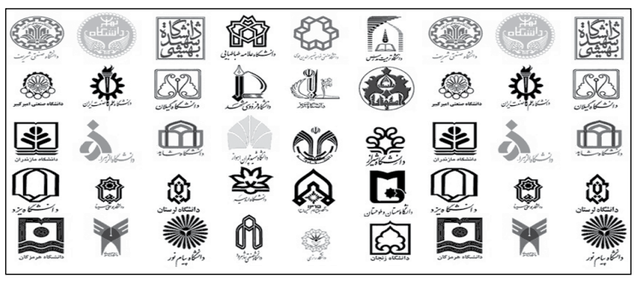

تعطیلی ۱۱۲ مؤسسه آموزش عالی غیردولتی در کشور

مدیرکل آموزش عالی غیردولتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از تعطیلی ۱۱۲ دانشگاه و مؤسسه آموزشی غیردولتی در کشور به علت کاهش تقاضا و پذیرش دانشجو و تعدد مؤسسات جدید در چند سال اخیر خبر داد.

مدیرکل آموزش عالی غیردولتی وزارت علوم در نشســـت مشـــترک اتحادیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی کشور به میزبانی دانشگاه شمال آمل، گفت: در حال حاضر تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی فعال در کشور به حدود ۲۴۵ واحد رسیده که بیش از ۲۷۰ هزار دانشجو در این مراکز آموزشی تحصیل می‌کنند.

وی ادامه داد: با توجه به شـــرایط ســـخت اقتصادی و کاهشـــی شـــدن جذب دانشجو در دانشگاه‌های کشور، مردم ترجیح می‌دهند فرزندان‌شان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی تحصیلات تکمیلی خود را ادامه دهند. مدیرکل آموزش عالی غیردولتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با اظهار تاسف از راه‌اندازی غیرقانونی برخی مؤسسات آموزشی بدون مجوز از خانواده‌ها درخواست کرد که برای ادامه تحصیلات تکمیلی فرزندان‌شان هوشیار باشند که در چه دانشگاه و مؤسسه آموزشی ثبت‌نام می‌کنند. نامبرده بیان کرد: نام همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی معتبر در سایت وزارت علوم وجود دارد و خانواده‌ها با مراجعه به این سایت، بدون دغدغه

و اطمینان کامل، دانشـــگاه و حتی مؤسسه آموزش عالی مورد نظر را انتخاب کنند. مدیرکل آموزش عالی غیردولتی وزارت علوم با بیان اینکه امیدواریم تعداد مؤسسات آموزش عالی کاهش پیدا نکند، اظهار کرد: ۱۱۲ دانشـــگاه و مؤسســـه آموزشی غیردولتی در کشور به علت کاهش تقاضا و پذیرش دانشجو و تعدد مؤسسات جدید در چند سال اخیر تعطیل شده‌اند. نامبرده به موضوع اساسنامه مؤسسات آموزش عالی غیردولتی اشاره کرد و با بیان اهمیت رسیدگی و حل و فصل این موضوع، گفت: افق ۱۰ ساله که برنامه راهبردی مؤسسات است، از اهم موضوعات دفتر آموزش عالی غیردولتی وزات علوم است و در این مسیر باید آسیب‌شناسی درستی انجام شود تا چشم‌انداز آینده را به خوبی ببینیم. مدیرکل آموزش عالی غیردولتی وزارت علوم تاکید کـــرد: اکنون دفتر ما با ۱۶ مجموعه بیرون از اداره کل و ۱۵ مجموعه داخل وزارت در ارتباط اســـت و برای پاسخگویی به مسائل و مطالبات مؤسسات غیردولتی و غیرانتفاعی باید ساختار دفتر آموزش عالی غیردولتی تغییر و تقویت شـــود. وی یکی از مشکلات مؤسسات غیردولتی و غیرانتفاعی را طولانی شدن روند جذب اعضای هیئت علمی دانست و از جلسه مشترک او و مدیرکل دفتر گســـترش با رئیس مرکز جذب برای تســـریع در این فرآیند خبر داد و گفت: مؤسسات غیردولتی و غیرانتفاعی نقش مهمی در آموزش عالی دارند و باری از مشکلات وزارت علوم را کم می‌کنند، برای نمونه برخی مؤسسات برای راه‌اندازی سامانه‌های هوشمند، سرمایه چند میلیارد تومانی انجام دادند که نمونه این مســـئله، طراحی سامانه آنلاین حضور و غیاب توسط یکی از مؤسسات آموزش عالی غیردولتی است. نامبرده همکاری مؤسسات غیردولتی و غیرانتفاعی را بسیار عالی توصیف کرد و افزود: وقتی موسسه‌ای به علت مشکلات مالی و اداری درخواست تعطیلی می‌کند سایر مؤسسات بار آن مؤسسه را برعهده می‌گیرند و دانشجویان آن مؤسسه را پذیرش می‌کنند تا نظام آموزشی دچار مشکل نشود.

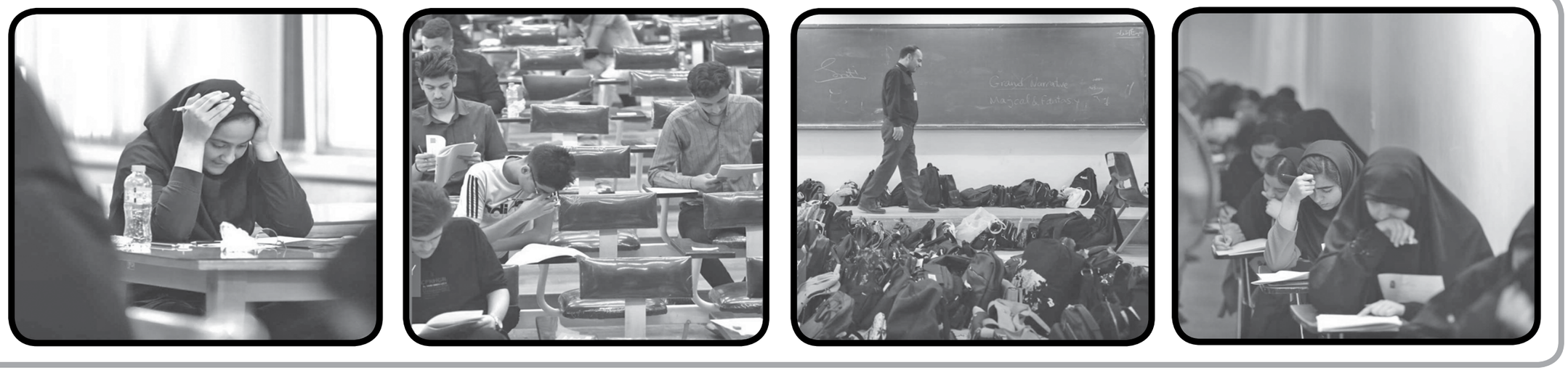

قاب دانشگاه

تصاویری از برگزاری مرحله دوم کنکور سراسری سال ۱۴۰۳